

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

داکتر عباس آزادیان



خشونت

قسمت هشتم

عوامل خشونت علیه زنان و فقر در خانواده

ما را گریز نیست،
میان لحظه ها
غبار نشسته است،
و عشق
در میان دستمالهای کاغذی
له شده است.

پرتو نوری علاء- در حسرت پرواز

به نظر می آید که ارتباط نزدیکی بین فقر و خشونت وجود دارد.¹ به طور مثال آمار نشان میدهد که:

- ۹۲٪ زنان بی سرپناه در مرحله ای از زندگیشان مورد آزار فیزیکی و یا جنسی قرار گرفته اند.
 - ۶۳٪ زنانی که در فقر زندگی میکنند به وسیله همسر و یا کسی که با او رابطه ای نزدیک داشته اند مورد خشونت قرار گرفته اند.
 - ۳۳٪ زنانی که در فقر زندگی میکنند هم اکنون در رابطه ای خشن اسیرند.
 - زنان فقیر موانع بیشتری برای کار پیدا کردن دارند و همسران خشن آنها مانع آموزش و تعلیم و تربیت آنها میشوند تا بتوانند کار بهتری پیدا کنند.
 - ۶۵٪ زنانی که از کمکهای دولتی استفاده میکنند در مقطعی از زندگی خود خشونت را تجربه کرده اند.
- سوالاتی که مطرح میشود این است که چه عواملی خشونت در خانواده علیه زنان را توضیح میدهد و اینکه آیا فقر و سایر عوامل فردی و شرایط یک خانواده خاص تأثیر قاطعی در این مورد دارد؟ بسیاری از محققان بر این باورند که دلیل خشونت مردان در شخصیت آنها است و مردانی که الکل مصرف میکنند و یا معتاد به مواد مخدر هستند، یا

¹ Browne, Angela. Responding to the needs of low income and hopeless women who are survivors of family violence. Journal of American Medical Association. 1980 – 53(2):57-64

آنهايي که کار ندارند و در فقر زندگي ميکنند و يا کساني که از سطح سواد پائينتري برخوردارند و غيره بيشتر ممکن است دست به خشونت بزنند. اجازه بدهيد به چند کار تحقيقي در اين مورد بپردازيم. در مطالعه اي در اوگاندا، محققان به بررسي ميزان خشونت در خانواده و علل آن پرداختند.^۲ ۴۵۷ زن در اين کار تحقيقي شرکت جستند. ۵۴٪ از زنان گفتند که در طول زندگي خود به وسيله همسرانشان مورد خشونت قرار گرفته اند. ۱۴٪ گفتند که در سال گذشته مورد خشونت قرار گرفته بودند. رضاييت از زندگي و سطح تحصيلات بالاتر زنان امکان خشونت را کمتر ميکرد. در مقابل زندگي در مناطق روستائي و داشتن زن دوم به وسيله همسر امکان خشونت را بالا ميبرد. همينطور فقر و مصرف الکل از عوامل ديگري بود که امکان خشونت در خانواده را اضافه ميکرد.

مطالعه ديگري در بنگلادش به بررسي عوامل مختلف اقتصادي- اجتماعي که باعث خشونت ميشود پرداخت.^۳ اين مطالعه به بررسي وضعيت ۱۲۰۰ زن ميپردازد که در اين مطالعه شرکت کردند. ۶۷٪ زنان تجربه خشونت خانوادگي داشتند و ۳۵٪ آنها در سال قبل از مطالعه خشونت را تجربه کرده بودند. آموزش بالاتر امکان خشونت در خانواده را براي زنان کمتر ميکرد. نکته جالب در اين مطالعه آن بود که زنانی که جهيژه بالاتري داشتند و يا درآمد مستقل خود را داشتند بيشتر تحت خشونت قرار گرفتند. اين مطالعه پيچيدگي و دشواري مطالعه تأثير عوامل اجتماعي- اقتصادي بر خشونت خانوادگي را نشان ميدهد.

در مطالعه اي ديگر در بنگلادش پژوهشگران به بررسي خشونت عليه زنان در خانواده و تأثير آن بر توان توليد مثل زنان پرداختند.^۴ در اين مطالعه نشان داده شده است که ميزان خشونت عليه زنانی که تحصيلات کمتری دارند و يا اينکه بيشتر از يکبار ازدواج کرده اند بيشتر است. در ضمن نشان داده شده است که شوهران خشونت گرا هم بيشتر از مواد مخدر و الکل استفاده کرده بودند و يا بيشتر از يک بار ازدواج کرده بودند.

در مطالعه ديگري در شهر نشويل آمريکا ۵۱۶ نفر شرکت کردند.^۵ ۳۳٪ زنان گزارش کردند که در گذشته مورد خشونت فيزيکي قرار گرفته اند و ۱۹٪ آنها گزارش کردند که در حال حاضر در معرض خشونت فيزيکي قرار دارند. کساني که ميل خود کشي داشته اند و يا مشروب زياد مصرف کرده بودند و يا در کودگي و در خانواده خود مورد خشونت قرار داشته اند بيشتر امکان داشت خشونت را تجربه کنند. رابطه محکم بين فقر و خشونت عليه زنان ديده نشده بود.

در مطالعه اي ديگر در بالتيمور در ميان ۱۹۵۲ زن مراجعه کننده به کلينيکهاي پزشکي^۶ نشان داده شد که ارتباط محکمي بين خشونت عليه زنان و مصرف مواد مخدر و الکل، ناراحتياهاي جسمي و روحي وجود دارد. رابطه اي بين فقر و خشونت در اين مطالعه ديده نشد. رابطه فوق به احتمال قوي نشان دهنده عوارض خشونت در ميان زنانی خشونت ديده بود تا بيانگر عامل خشونت. گروهی محقق در کاليفرنيا به مطالعه خصوصيات افراي که در خانواده مورد خشونت قرار گرفته بوند پرداختند.^۷ ۴۵۳ نفر در اين مطالعه شرکت کردند. ۲۸٪ درصد افراد مراجعه کننده به کلينیک در طول عمر خود شاهد خشونت بوده اند و ۱۴٪ آنها در سال قبل از مطالعه مورد خشونت قرار گرفته بودند. اين مطالعه نشان ميدهد که فقر نقش مهمي در وجود و يا عدم وجود خشونت در خانواده به عهده داشت. نکته مهمتر اين مطالعه اين است که خشونت در تمام گروههاي اجتماعي و قومي و سني و مالي-اقتصادي وجود داشت. ضمن اينکه خشونت در خانواده در هر قشر اجتماعي اتفاق مي افتد، مطالعات نشان ميدهد که زنانی که از موقعيت اجتماعي- اقتصادي پائينتري برخوردارند بيشتر در معرض خشونت قرار دارند. به طور مثال در مطالعه اي که در سال ۲۰۰۰ در آمريکا صورت گرفت^۸ نشان داده شد که هر چقدر ميزان درآمد خانوادگي زنان کاهش مي يابد خشونت عليه زنان افزايش مي يابد. براي مثال اگر ميزان خشونت در خانواده هائي که زير ۷۵۰۰ دلار درآمد دارند را با خانواده هائي که بالاتر از ۷۵۰۰ دلار درآمد دارند مقايسه کنيد ميزان خشونت در خانواده هاي کم درآمد را هفت برابر بيشتر خواهيد يافت. مطالعات ديگر نشان ميدهد که زنانی که از درآمد پائين برخوردارند و به خصوص

² Karmagi CA, et al. Intimate partner violence against women in eastern Uganda: Implications for HIV prevention. BMC public health. 2006 Nov 20;6:284.

³ Bates LM, et al. Socioeconomic factors and processes associated with domestic violence in rural Bangladesh. International family planning perspectives 2004 Dec; 30(4) : 190-9.

⁴ Salam A, et al. Spousal abuse against women and its consequences on reproductive health: a study in the urban slums in Bangladesh. Maternal and Child Health Journal. 2006, Jan; 10(1):83-94

⁵ Ernest AA et al. Domestic violence in an inner-city emergency department. Annals of Emergency medicine. 1997 Aug; 30(2) : 190-7

⁶ Mccauley J, et al. The "Buttering syndrome": Prevalence and clinical characteristics of domestic violence in primary care internal medicine practices. Annals of internal medicine. 1995 Nov 15;123(10):774-81

⁷ Gin NE et al. Prevalance of domestic violence among patients in three ambulatory care internal medicine clinics. Journal general internal medicine. 1991 Jul-Aug;641:317-22

⁸ Rennison CM, and Welchans intimate partner violence. Washington DC: National Center for Justice, Bearu of Justice Statistics; 2000

سایر خصوصیات فردی و اجتماعی باعث تداوم خشونت در خانواده میشود. خشونت در خانواده انعکاسی از ساختار کلی تر خشونت در جامعه و به خصوص خشونت در جامعه علیه زنان است.

قسمت نهم خشونت در خانواده: تأثیر مواد مخدر و الکل

چون اندیشه آغاز کنی
جهان اقلیم دو راهی هاست
و لحظه تصمیم
همیشه چه سنگین و دشوار

شادادب وجدی- مسافر کوچک

در نوشته های گذشته به بررسی عواملی که میتواند به ایجاد و تداوم خشونت در خانواده و به خصوص خشونت علیه زنان منجر شود پرداختیم. در نوشته گذشته به بررسی نقش فقر پرداختیم. نشان دادم که در ضمن اینکه فقر باعث گسترش خشونت در خانواده میشود ولی این تأثیر قطعی نمیباشد. در این نوشته به بررسی تأثیر الکل و مواد مخدر در ایجاد و تداوم خشونت در خانواده میپردازم.

متأسفانه مطالعاتی که به طور منطقی و علمی به بررسی تأثیرات مواد مخدر و مصرف مشروبات الکلی بر خشونت خانوادگی و به خصوص خشونت علیه زنان پیروز شده اند محدود است. تعداد افراد شرکت داده شده در بسیاری از این بررسیها کم میباشد و در نتیجه امکان نتیجه گیری قطعی را فراهم نمیکند. علی رغم این محدودیتها این مطالعات نشان میدهد که استفاده از الکل و مواد مخدر و به خصوص استفاده مردان از الکل یکی از عوامل گسترش خشونت میباشد. چه در داخل خانواده و چه در خارج از خانواده، الکل نقش مهمی در بروز خشونت دارد.

در مطالعه ای از ۱۸۰ زنی که مورد خشونت قرار گرفته بودند سؤال شد که آیا همسرشان هنگام اعمال خشونت الکل یا مواد مخدر و یا هر دو را مورد استفاده قرار داده بود یا نه؟ ۳۳٪ گفتند الکل و مواد مخدر مطرح نبوده و ۱۹٪ گفتند الکل مصرف شده بود، ۱۸٪ گفتند مواد مخدر مورد مصرف قرار گرفته بود و ۳۰٪ گفتند که هم مواد مخدر و هم الکل مورد استفاده قرار گرفته شده بود. این مطالعه نشان میدهد که رابطه خشونت فیزیکی و مصرف مواد مخدر و الکل رابطه ای قطعی و غیر قابل انکار است.^{۱۲}

در مطالعه ای دیگر نویسندگان به بررسی مقالات منتشره در زمینه رابطه مواد مخدر و خشونت پرداخته و سعی کردند میزان ارتباط بین مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و خشونت در خانواده را ارزیابی کنند.^{۱۳} در این مطالعه نویسندگان به بررسی ۲۲ کار تحقیقاتی در این زمینه پرداختند. آنها ضمن انتقاد از کیفیت کارهای ارائه شده نتیجه گرفتند که مصرف الکل و یا مواد مخدر خطر دست به خشونت زدن در روابط خانوادگی را پنج برابر میکند. در بررسیهای متعددی رابطه بین مزاحمت برای زنان^{۱۴} و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعات نشان میدهد که مزاحم زنان شدن و در نهایت خشونت علیه آنان با مصرف الکل و مواد مخدر ارتباط دارند.^{۱۵}

مطالعات مختلف شکی باقی نمیگذارند که الکل و مواد مخدر در بروز خشونت نقش بازی میکنند. بر این اساس بستگی میزان تأثیر الکل در خشونت چیزی بین ۱۵ تا ۷۰ درصد میباشد. جمع بندی اکثر مطالعات نشان میدهد که الکل در ۵۰-۷۰٪ قتلها، در ۲۰-۵۰٪ انواع خشونت و در مورد ۲۵٪ خشونتهای جنسی نقش داشته است.^{۱۶} الکل و مواد مخدر نقش مهمی در وقوع قتل، خشونتهای شدید و تجاوزات جنسی بازی میکند. جالب است که مطالعات نشان میدهد که مردانی که با الکل مشکل جدی دارند نه تنها وقتی که تحت تأثیر الکل و مواد میباشدند ممکن است دست به خشونت بزنند بلکه حتی وقتی تحت تأثیر مواد و الکل هم نیستند به همان شدت ممکن است دست به خشونت بزنند. همین مطالعات نشان میدهد که شدت و حدت خشونتی که این گروه از مردان مرتکب میشوند شدیدتر

¹² Wilson, pam et al. Severity of violence against women by intimate partner and associated use of alcohol and/or illicit drugs by the perpetrator. Journal of Interpersonal Violence, Vol. 15, No. 9, 996-1008, 2000

¹³ Gonzalez Gil, et al. Alcohol and intimate partner Violence: do we have enough information to act? The European Journal of Public Health 2006, 16(3): 278-284

¹⁴ Stalking

¹⁵ Roberts, Karl. Women's Experience of violence during stalking by former Romantic partners. Violence Against Women 11(1), 89-114, January 2006

¹⁶ Byles, J.A, "Violence, Alcohol problems and other problems in the dis integrating family". Journal of Studies on Alcohol 30(1978):551-53

میباشد و در نتیجه این مردان آزار بیشتری به همسران خود وارد میکنند. مردانی که با الکل و مواد مخدر مشکل دارند بیشتر امکان دارد که در خانه و در خارج از خانه دست به خشونت بزنند.

مطالعات در مورد مواد مخدر هم رابطه ای قوی بین مصرف مواد مخدر و بروز خشونت را نشان میدهد. در ضمن اینکه بیشتر مطالعات به تأثیر آفتماینها در ایجاد خشونت تأکید دارند، ولی رابطه محکمی بین استفاده از مواد محرک دیگر مثل ال اس دی و کوکائین و خشونت هم وجود دارد. این مواد محرک باعث افزایش تحریک پذیری عصبی شده، تنش عضلانی را بالا برده و رفتارهای ناگهانی و انفجاری را تشدید میکنند. مطالعات نشان میدهد که افرادی که شخصیت خشن^{۱۷} دارند بیشتر تحت تأثیر این مواد محرک قرار میگیرند. ولی خوانندگان باید توجه کنند که حتی مواد مخدر آرام کننده مثل حشیش و تریاک و هروئین هم در مواردی میتواند باعث افزایش خشونتگرایی فرد بشود. در موارد استثنائی حتی قرصهای خواب و آرام بخش باعث از بین رفتن کنترل فرد بر رفتارش میشود و به جای آرامش باعث تهیج فرد و در نهایت خشونت میشود.^{۱۸}

علی رغم این مطالعات نمیتوان رابطه علت و معلولی بین مصرف مواد مخدر و الکل با خشونت خانوادگی را حتمی دانست همانگونه که نمیتوان چنین رابطه علت و معلولی را بین فقر و خشونت حتمی دانست. منطقی تر است که تصور کنیم که علل و عوامل مختلف زمینه ساز بروز و تداوم خشونت در خانواده میشود و الکل و مواد مخدر یکی از این عوامل میباشد.

طبیعتاً این سؤال مطرح میشود که الکل به چه شکلی باعث بروز خشونت میشود. ادوارد گاندولف^{۱۹} روانپزشک و جامعه شناسی دانشگاه پنسیلوانیا سه تئوری مختلف را مطرح میکند:

۱- **تئوری مهار برداری**^{۲۰}: بر اساس این تئوری مصرف الکل نیروهای درونی بازدارنده انسانها را از کار

می اندازد و در نتیجه رفتارهای ضد اجتماعی امکان بروز پیدا میکنند. همه ما افرادی را دیده ایم که وقتی مشروب میخورند رفتاری متفاوت نسبت به وقتی که مشروب نمیخورند دارند. طبق این نظریه کنترل غشاء خارج مغز که قسمت منطقی و متفکر مغز است را بر رفتارهای انسانی کمتر میکند.

۲- **تئوری انکار**^{۲۱}: بر طبق این نظریه آموزش اجتماعی یا فراگیری اجتماعی^{۲۲} نقش مهمی در استفاده از

الکل و خشونت دارد. بر مبنای این نظریه مردان به سرعت از جامعه و برخورد جامعه یاد میگیرند که اگر مشروب بخورند و دست به خشونت بزنند بهتر میتوانند کار خود را توجیه کنند و از عواقب ناگوار آن بپرهیزند. بر این مبنا خشونت تصمیمی است که فرد گرفته است و از الکل برای توجیه آن استفاده میکند.

۳- **تئوری کنش-واکنش**^{۲۳}: طبق این تئوری تأثیر الکل در سطوح فیزیولوژیک، روحی-روانی و اجتماعی

است و از این زاویه بهتر میتوان بروز خشونت بعد از مصرف الکل را توضیح داد.^{۲۴} الکل در سطوح مختلف بر انسان تأثیر میگذارد و این عوال در برخورد با یکدیگر باعث رفتار خشن در فرد میشوند.

دشوار است که به طور قاطع بگوئیم کدامیک از این تئوریهها درست تر است. اگر تأثیر فیزیولوژیک الکل عامل بروز خشونت باشد، همانگونه که تئوری مهار برداری مطرح میکند، پس باید رفتار مشابهی را در جوامع مختلف، پس از مصرف الکل مشاهده کنیم. واقعیت این گونه نیست. به طور مثال در مطالعه ای که واکنش افراد با زمینه های متفاوت فرهنگی را به مصرف مشروبات الکلی بررسی کرد نشان داده شد که رفتار افراد بعد از مصرف مشروبات الکلی با توجه به زمینه فرهنگی افراد متفاوت است. در بعضی فرهنگها، افراد بعد از مصرف مشروب حالت منفعلتر به خود میگیرند در حالی که در بعضی فرهنگهای دیگر مردان حالت خشن تری پیدا میکنند. این محققان نشان دادند که اگر فرهنگ فردی که مشروب مصرف کرده است بر این باور بوده که مصرف الکل کنترل بر رفتار را کم میکند در عمل کنترل بر رفتار این افراد کمتر میشود. بر عکس اگر باور فرهنگ حاکم این بوده که مصرف الکل حالت افسردگی و خمودگی ایجاد میکند این افراد بعد از مصرف مشروب حالت خموده و منفعل پیدا می کنند.

آلن لنگ^{۲۵} و همکارانش این مسأله را به نحو جالبی مورد بررسی قرار دادند.^{۲۶} آنها افراد موضوع مطالعه را به چهار دسته تقسیم کردند. به هر چهار دسته یک مخلوط نوشیدنی دادند. دو دسته در نوشیدنی خود ودکا داشتند و دو

¹⁷ aggressive

¹⁸ Paradoxial effect

¹⁹ Edward Gondolf

²⁰ Disinhibition Theory

²¹ Disavowal Theory

²² Social learning

²³ Interaction Theory

²⁴ Gondolt, E.W., "Alcohol abuse, wife assault and power needs." *In the relationship between substance abuse and domestic violence*. Texas council on family violence, Austin, TX, July 1994, 42-43

²⁵ Alen Lang

²⁶ Lang, AR., et al. "Effect of alcohol on aggression in male social drinkers", *Journal of abnormal psychology* 84(1975): 508-518

دسته نداشتند. از هر دسته یک گروه به درستی اطلاع داشت که نوشیدنی آنها حاوی چه موادی است. به دو گروه دیگر اطلاع غلط داده شده بود. سپس از افراد این گروهها خواسته شد که به افراد دیگری شوک الکتریکی بدهند. البته در واقع از شوک الکتریکی خبری نبود ولی افراد موضوع مطالعه از این امر اطلاع نداشتند. لنگ در این مطالعه نشان داد که افرادی که به آنها گفته شده بود که در مشروبشان الکل وجود دارد با شدت بیشتری شوک الکتریکی وارد کردند تا آنهایی که فکر میکردند در نوشیدنی شان الکل وجود ندارد.

این مطالعه نشان میدهد که باور به اینکه مشروب در نوشیدنی افراد بوده امکان خشونت آنها را بالا میبرد. جالب اینکه افرادی که مشروب خورده بودند ولی نمیدانستند که مشروب خورده اند بیشتر از افرادی که مشروب نخورده بودند دست به خشونت زدند. همینطور افرادی که مشروب نخورده بودند ولی فکر میکردند مشروب خورده اند به اندازه افرادی که مشروب خورده بودند دست به خشونت زدند.

خطرهایی هم در مورد بزرگ کردن بیش از اندازه تأثیر الکل (و یا فقر) در بروز خشونت وجود دارد:

- این باور که فرد مشروبات الکلی مصرف کرده و در نتیجه کنترلی بر رفتار خود ندارد ممکن است برای توجیه کردن رفتار خشن او استفاده بشود و از او سلب مسئولیت بکند.
- این باور ممکن است به زن امیدی واهی بدهد که اگر همسرش دست از مصرف الکل بردارد همه مسایل حل خواهد شد.

- این باور ممکن است توجه به مسأله خشونت را به مسأله فرعی بدل کند و توجه اصلی را بر مسأله الکل و غیره معطوف کند.

- این مسأله از لحاظ درمان هم تأثیرات خود را دارد و ممکن است این تصور را ایجاد کند که اگر به اندازه کافی امکانات برای درمان مشکل الکل و مواد مخدر در نظر گرفته شود میتوان بر مسأله خشونت در خانواده و یا جامعه غلبه کرد. متأسفانه بعضی مطالعات نشان میدهد که در مواردی میزان خشونت در خانواده در جریان درمان مشکل الکل اضافه میشود و نه کم.^{۲۷}

آیا مصرف الکل به وسیله زنان هم ربطی به وجود خشونت علیه آنها دارد؟ میدانیم که درصد استفاده از الکل در مادرانی که در سرپناهای دولتی زندگی میکنند بالاتر است از درصد استفاده از الکل در مادرانی که در خانه مستقل زندگی میکنند. به طور مثال یک مطالعه که ۶۷۷ نفر مادر را که در سر پناه دولتی زندگی میکردند با ۴۹۵ مادری که در خانه زندگی میکنند مقایسه میکند. تمامی این خانواده ها از کمکهای دولتی استفاده میکردند. این مطالعه نشان میدهد که ۸۰٪ مادرانی که در سرپناه دولتی زندگی میکنند از مشکل مصرف بیش از اندازه الکل رنج میبرند در حالی که در گروه دیگر این میزان تنها ۲۰٪ بود.^{۲۸} همین مطالعه نشان داد که مادرانی که از بیماریهای روحی و روانی رنج میبرند ۵ برابر بیشتر امکان داشت از سرپناهای دولتی استفاده کنند. استفاده از مواد مخدر هم امکان استفاده از سر پناه را ۵ برابر بیشتر میکرد. زنانی که مورد آزار جنسی و یا فیزیکی قرار گرفته بودند ۲ برابر زنان دیگر امکان داشت از سر پناه استفاده کنند. میزان مصرف الکل در میان زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند بیشتر است ولی به نظر میرسد که مصرف مشروب در زنان واکنشی است به تجربه خشونت در گذشته تا عامل ایجاد خشونت. یعنی زنانی مشروب زیاد مصرف میکنند که مورد آزار قرار گرفته اند و آنرا بیشتر در رابطه با افسردگی و کم کردن تأثیرات دردناک آزار جنسی و جسمی که در گذشته تحمل کرده اند به کار میبرند. مطالعات نشان میدهد که وجود خشونت خانوادگی امکان سوء استفاده از الکل را در زنان بالا میبرد. در ضمن زنانی که دچار خشونت شده اند بیشتر دچار افسردگی میشوند، بیشتر دست به خودکشی میزنند و بیشتر از سایر زنان از ناراحتیهای جسمی و روحی رنج میبرند. به طور مثال در آمریکا نشان داده شده است که زنان خشونت دیده -نسبت به سایر زنان- ۶ بار بیشتر ممکن است از مواد مخدر استفاده کنند، ۸ بار بیشتر ممکن است دست به خودکشی بزنند و ۱۵ بار بیشتر ممکن است از الکل استفاده کنند.^{۲۹}

در بررسی نقش الکل و خشونت در خانواده باید به جنبه دیگری هم توجه کرد. میزان وابستگی و یا سوء استفاده از الکل در زنان و مردان تقریباً برابر است. در حالی که در ۸۵-۸۰٪ مواقع در هنگام بروز تنشهای خانوادگی زنان مورد خشونت قرار میگیرند و مردان دست به خشونت میزنند. این مطالعات نشان میدهد که در ضمن اینکه الکل میزان خشونت را بالا میبرد این تأثیر قطعی نیست و بستگی به چهارچوب فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فرد و خانواده هم دارد.

مصرف مشروب به وسیله زنان مسائل و مشکلات خاص خود را به وجود می آورد:

- زنان بیشتر و سریعتر تحت تأثیر الکل قرار میگیرند.

²⁷ Zubretsky, T.M., Digirolamo, K.M. "Adult domestic violence: the alcohol connection". Violence Update 4:7 (March 1994): 1-2.

²⁸ Weitzman, BC., et al. Predictors of shelter use among low-income families: psychiatric history, substance abuse, and victimization. Am J Public Health? 1992;82:1547-1550

²⁹ Stark, E. and Flit craft, A. Women at risk: Domestic violence and women's health. 8-18. Sage Publication. 1996

- زنان بیشتر از مردان ممکن است به بیماریهای شدید کبدی ناشی از الکل دچار شوند.
 - زنان با مقدار کمتری از الکل ممکن است دچار این بیماریهای کبدی بشوند.
 - امکان مرگ زنان از بیماریهای وابسته به الکل - مثل بیماری کبدی و یا عفونتهای ریوی- بسیار بیشتر از مردان است.
 - در زنانی که مشروب زیاد مصرف میکنند اعتماد به نفس پائین، افسردگی و احساس ناتوانی به وفور دیده میشود.
 - زنانی که زیاد مشروب میخورند در مقایسه با مردان، تنهاترند، از کمک کمتر اجتماعی برخوردارند و کمتر مورد یآوری و پشتیبانی قرار میگیرند.
 - مصرف زیاد مشروب آگاهی زن را به محیط و واکنش او را به خطرات محیطی کم میکند و در نتیجه قدرت دفاع از خود را در صورت بروز خشونت پائین می آورد.
 - مصرف بیش از اندازه مشروب امکان فرار زن را از محیط خشن کم میکند.
 - در صورت بروز خشونت زنانی که بیش از اندازه مشروب استفاده کرده اند ممکن است متوجه نشوند که مجروح شده اند و یا شدت جراحت خود را به خوبی ارزیابی نکنند و در نتیجه در صورت بروز خشونت از ناراحتیهای جدی رنج ببرند.
 - زنانی که وابسته به مشروب و مواد مخدرند راحتتر ممکن است مورد سوء استفاده قرار بگیرند و اعتیاد آنها به مواد مخدر هم به عنوان عاملی برای آزار رساندن به آنها مورد استفاده قرار بگیرند.
- دختری ۲۳ ساله به من مراجعه کرد که دچار اضطراب و افسردگی شدید بود. بعد از مدتی گفتگو و بررسی حالتهای او، مطرح کرد که در جمعی نشسته و مشغول صحبت کردن بود. یکی از مردانی که در جمع بود و این دختر او را نمیشناخت پیشنهاد مشروب داد. بر اساس اعتماد به سایر اعضای جمع و با این که این فرد را نمیشناخت دعوت او را قبول کرد. این دختر مطرح کرد که چندی از نوشیدن مشروب نگذشته بود که احساس خواب آلودگی کرد. این مرد گفت که او را به خانه خواهد رساند. بعد از سوار شدن به ماشین آن مرد دیگر چیزی به یاد نمی آورد جز اینکه روز بعد در جایی غریبه بیدار شده بود و مورد سوء استفاده قرار گرفته بود.
- الکل در سطوح مختلف در ایجاد خشونت علیه زنان و سوء استفاده از آنها نقش بازی میکند. الکل و مواد مخدر را به عنوان یکی از عوامل خشونت باید در نظر گرفت و با استفاده گسترده آن مبارزه کرد. از آنجائی که رابطه بین استفاده از الکل و یا مواد مخدر و زن آزاری را بررسی میکنیم لازم است شباهتهای بین کسانی که اعتیاد دارند و کسانی که به زن آزاری دست میزنند را هم در نظر بگیریم:
- ۱- هر دو گروه سعی میکنند عمل خود را بی اهمیت و کوچکتر از آنچه هست جلوه بدهند و با عباراتی مثل "چیزی نیست" و "میتوانم کنترلش کنم" با آن برخورد میکنند.
 - ۲- هر دو گروه سعی میکنند به مشکلات خود توجهی نکنند.
 - ۳- هر دو گروه سعی میکنند دیگران را مقصر رفتار خود جلوه بدهند.
 - ۴- هر دو گروه سعی میکنند از خود صلب مسئولیت کنند.
 - ۵- هر دو گروه وقتی شرایط مناسب نباشد رفتار خود را به طور موقت عوض میکنند.
 - ۶- هر دو گروه بارها سعی میکنند رفتار خود را کنترل کنند و موفق نمیشوند.
 - ۷- هر دو گروه قولهای توخالی میدهند و از پس قولهای خود برای کنار گذاشتن عمل خود- اعتیاد و یا زن آزاری- بر نمی آیند.
 - ۸- این قولهای تو خالی و تلاشهای نیمه کاره امیدهای واهی در خانواده ها به وجود می آورد و با گذشت زمان استفاده از مواد مخدر دست به خشونت زدن بیشتر و بیشتر میشود.
 - ۹- هم مواد مخدر و الکل و هم خشونت در خانواده عوارض دایمی و عمیقی در افراد و در خانواده به وجود می آورد.
 - ۱۰- جالب این است که اعضای خانواده های افرادی که اقدام به خشونت میکنند و یا دچار اعتیاد شده اند هم مشکل را کوچک میبیند و اهمیت آن را کمتر از آنچه هست جلوه میدهند، تأثیرات منفی بر خانواده را در نظر نمیگیرند و سعی میکنند به موضوع اعتیاد و یا خشونت در خانواده توجه چندانی نداشته باشند.

ادامه دارد